

1 DEC ۱۱ / ۹

۱۹۳۰ طالب صلی

اصول اعتقاد، دلایلی ۲ صحت است :

① اعتقاد خرد به کتاب اعتقاد خرد آقای مهرگان

فصل ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰

✓ فصل اول مقدمه ای بر علم اعتقاد

فصل ۲ تعریف تولد

✓ فصل دوم: تئوری نفس قوی

فصل ۳ هزینه تولد

✓ فصل سوم: کنش های عرضه و تقاضا

فصل ۴ بازارها

② اعتقاد مطلق به کتاب اعتقاد مطلق آقای مهرگان ج ۱

✓ فصل اول، کتاب آقای مهرگان، مطلقاً درین باب خواهد بود

فصل ۶ تا ۸، در صورت لزوم و تا حدوری، درین باب خواهد بود

فصل مربوط به اعتقاد مطلق نیز در صحت اعتقاد مطلق توضیح دارد خواهد بود

مجلس میل انبیا صلوات تمام اعتمادی را مطرح کردیم

تعام اعتمادی، انواع و اقسام آن خصوصاً رکن پایه ای تعام اعتمادی را که

مبانی فلسفی در سه هریک از تعام اعتمادی هست را توضیح دادیم.

و در سه تفاوت بنیادی و تفاوت در مبانی فلسفی تعام اعتمادی اشاره کردیم

سپس ارتباط بین علم اعتماد و تعام اعتمادی را توضیح دادیم و گفتیم که

علم اعتماد در سبک تعام اعتمادی شکل می گیرد. وقتی تعام اعتمادی

مجازه خوب را محقق کرد و در مورد جنبش های مختلف تعام : یعنی

(مبانی فلسفی) <sup>حلال</sup> سه جهت <sup>حلال</sup> حقوق اعتمادی <sup>حلال</sup> سه ساختار

مبانی مکتبی <sup>حلال</sup> سه جهت اهداف تعام اعتمادی <sup>حلال</sup> سه مسوره

وقتی که به نتیجه رسیدیم و تعام را اعلامی کردیم، حال می توانیم در سبک تعام به بحث

در مورد دیدگاه های اعتمادی و متغیرهای اعتمادی بپردازیم

گفتیم که علم اعتمادی در علم تبیین، توضیح و تفسیر دیدگاه های

به عبارتی دیگر

اعتمادی و ارتباط بین متغیرهاست. یعنی وضع موجود را تبیین می کنیم. ارتباط بین

مستترها را توضیح می دهیم و پس بینی می کنیم و در صورت لزوم، سیاست هایی را هم بیگانه می دهیم.

حیثیت از علم اعتماد را اصلاح کردیم

1) تعریف دقیق تر (بسیار به اعتماد خورد و صبی تر)

علم اعتماد، علم روش های تفهیم صرفه جویانه منابع کمیاب غیربازی و انسانی پس از تهیه های رقیب به گونه ای که صرف بهینه معنی را حاصل شود

ما هر جا با منابع کمیاب روبرو هستیم و در واقع مجبور می شویم که دست به انتخاب بزنیم، در حقیقت داریم یک موضوع اعتقادی را حل کنیم.

صدا (که) زنگ خود را این کار و در این چگونگی تخصیص می دهیم تا فعالیت خاطر ما محدود شود. بود، یک تعمیم برای اعتقادی است

تخصیص زمان

در حقیقت ما یک منبع زمان داریم (allocation time) که می خواهیم

این منبع محدود را بین گزینه های رقیب که یکی کار برای کسب درآمد و افزایش رفاه

می باشد از یک طرف ، از طرف دیگر به فراغت نیز اختصاص دهم . چون فراغت  
 نیز ، ایجاب رضایت و مطلوبیت فراهم می سازد

اللهم جمهوری تدراری میان کار و فراغت انجام دهم و زین خود را بین این بولند  
 تقسیم کنیم ← یک جهت اعتقادی است .

یا صله نه آمد خود را چگونه بین لذت های مختلف و وقت برای خرید انواع  
 کلاه ها و خدایات جانور اختصاص نسیم ← یک موضوع اعتقادی است  
 ماد عموان معترف گفته ، در میان ، اقتباس رضایت خود و خانواده است .

اللهم در این رضایت خافه ، اگر کار خیری نیز انجام دهم صله نهایی لذت  
 خود را بیا دهم ماهانه خود را به یک فعالیت خیر خواهانه اختصاص دهم نیز  
 ← یک فعالیت اعتقادی انجام داده ام

چون علت انجام این کار و کسی که این کار را انجام داده است ، لذت انجام کار ،  
 لذت کسب است . هر رضایت خاطر کسی کرده است . و برای آن رضایت خاطر خود را  
 حد اکثر بخارد ، دست به عمل خیر خواهانه می کند . حال در این رضایت خاطر که دست

آموده ، یکی از این های وجود دارد ، مثلا نسبت رضایت خداوند یا ایمان به معاد ،  
 وجود دارد که یکی از افراد سخته به درهم ایمان و اعتقاد استخوان یک سری عقاید های

خبر خواهان انجام می دهند البته بخت عقاید خبر خواهان ، فعلا بحث اتفاق ال  
 سبب . مسائل دیگر نیز هست که می تواند رضایت خاطر ما را تضمین سازد .

این رضایت خاطر ، از لحاظ می آید ؟؟ نه همان لذت های مادی ، باور های ما

در حقیقت همان لذت های ما در باور های ما هستند ، رضایت خاطر ما را تسلی

می دهند . یعنی بدون ما میتوان آن لذت ها را کتب به مجموع وجود دارد و

رضایت خاطر نکرد ، حتی غیر از مجموع ، ولیک به موجودات زنده حتی انسان  
 نیاز ...

حیوانی می شود نه برای عمل کردن انسان به این لذت های نه بخش است

لذت می کنند یا به لذت یا لذتی که مثلا ما سخن بخش زنده یا انسانی دیده ،

لذت می کنند و آن حیوان را بستری می کنند و لذت می کنند به طبیعت بپردازد و به

نزدیکی طبیعت بپردازد . ب این دلیل است که به دنبال رضایت خاطر هستند .

۷  
اطلاع اقتصادی این امر مطلوبی می باشد -

کسی که در این طریق به حال کسب مطلوب است، باورها و نگرش ها و اعتقادات  
خوبی، رغبت خاطر خوبی را تجربه کرده و به تدریج سافه در وجودش

بلکه فعالیت های خیرخواهانه نیز می تواند رفتار اقتصادی با او چون

در جهت مطلوبی می باشد

۸  
اینگونه نیست که شخصی بدینال نفع شخصی یا با اطلاع ۲،۲ تا ۴ تا ۴ مادی دارد

۹  
می ممکن است به لحاظ مادی نیز نه عتو فایده نداشته باشد بلکه هزینه هم بری

۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰  
۵۱  
۵۲  
۵۳  
۵۴  
۵۵  
۵۶  
۵۷  
۵۸  
۵۹  
۶۰  
۶۱  
۶۲  
۶۳  
۶۴  
۶۵  
۶۶  
۶۷  
۶۸  
۶۹  
۷۰  
۷۱  
۷۲  
۷۳  
۷۴  
۷۵  
۷۶  
۷۷  
۷۸  
۷۹  
۸۰  
۸۱  
۸۲  
۸۳  
۸۴  
۸۵  
۸۶  
۸۷  
۸۸  
۸۹  
۹۰  
۹۱  
۹۲  
۹۳  
۹۴  
۹۵  
۹۶  
۹۷  
۹۸  
۹۹  
۱۰۰  
۱۰۱  
۱۰۲  
۱۰۳  
۱۰۴  
۱۰۵  
۱۰۶  
۱۰۷  
۱۰۸  
۱۰۹  
۱۱۰  
۱۱۱  
۱۱۲  
۱۱۳  
۱۱۴  
۱۱۵  
۱۱۶  
۱۱۷  
۱۱۸  
۱۱۹  
۱۲۰  
۱۲۱  
۱۲۲  
۱۲۳  
۱۲۴  
۱۲۵  
۱۲۶  
۱۲۷  
۱۲۸  
۱۲۹  
۱۳۰  
۱۳۱  
۱۳۲  
۱۳۳  
۱۳۴  
۱۳۵  
۱۳۶  
۱۳۷  
۱۳۸  
۱۳۹  
۱۴۰  
۱۴۱  
۱۴۲  
۱۴۳  
۱۴۴  
۱۴۵  
۱۴۶  
۱۴۷  
۱۴۸  
۱۴۹  
۱۵۰  
۱۵۱  
۱۵۲  
۱۵۳  
۱۵۴  
۱۵۵  
۱۵۶  
۱۵۷  
۱۵۸  
۱۵۹  
۱۶۰  
۱۶۱  
۱۶۲  
۱۶۳  
۱۶۴  
۱۶۵  
۱۶۶  
۱۶۷  
۱۶۸  
۱۶۹  
۱۷۰  
۱۷۱  
۱۷۲  
۱۷۳  
۱۷۴  
۱۷۵  
۱۷۶  
۱۷۷  
۱۷۸  
۱۷۹  
۱۸۰  
۱۸۱  
۱۸۲  
۱۸۳  
۱۸۴  
۱۸۵  
۱۸۶  
۱۸۷  
۱۸۸  
۱۸۹  
۱۹۰  
۱۹۱  
۱۹۲  
۱۹۳  
۱۹۴  
۱۹۵  
۱۹۶  
۱۹۷  
۱۹۸  
۱۹۹  
۲۰۰  
۲۰۱  
۲۰۲  
۲۰۳  
۲۰۴  
۲۰۵  
۲۰۶  
۲۰۷  
۲۰۸  
۲۰۹  
۲۱۰  
۲۱۱  
۲۱۲  
۲۱۳  
۲۱۴  
۲۱۵  
۲۱۶  
۲۱۷  
۲۱۸  
۲۱۹  
۲۲۰  
۲۲۱  
۲۲۲  
۲۲۳  
۲۲۴  
۲۲۵  
۲۲۶  
۲۲۷  
۲۲۸  
۲۲۹  
۲۳۰  
۲۳۱  
۲۳۲  
۲۳۳  
۲۳۴  
۲۳۵  
۲۳۶  
۲۳۷  
۲۳۸  
۲۳۹  
۲۴۰  
۲۴۱  
۲۴۲  
۲۴۳  
۲۴۴  
۲۴۵  
۲۴۶  
۲۴۷  
۲۴۸  
۲۴۹  
۲۵۰  
۲۵۱  
۲۵۲  
۲۵۳  
۲۵۴  
۲۵۵  
۲۵۶  
۲۵۷  
۲۵۸  
۲۵۹  
۲۶۰  
۲۶۱  
۲۶۲  
۲۶۳  
۲۶۴  
۲۶۵  
۲۶۶  
۲۶۷  
۲۶۸  
۲۶۹  
۲۷۰  
۲۷۱  
۲۷۲  
۲۷۳  
۲۷۴  
۲۷۵  
۲۷۶  
۲۷۷  
۲۷۸  
۲۷۹  
۲۸۰  
۲۸۱  
۲۸۲  
۲۸۳  
۲۸۴  
۲۸۵  
۲۸۶  
۲۸۷  
۲۸۸  
۲۸۹  
۲۹۰  
۲۹۱  
۲۹۲  
۲۹۳  
۲۹۴  
۲۹۵  
۲۹۶  
۲۹۷  
۲۹۸  
۲۹۹  
۳۰۰  
۳۰۱  
۳۰۲  
۳۰۳  
۳۰۴  
۳۰۵  
۳۰۶  
۳۰۷  
۳۰۸  
۳۰۹  
۳۱۰  
۳۱۱  
۳۱۲  
۳۱۳  
۳۱۴  
۳۱۵  
۳۱۶  
۳۱۷  
۳۱۸  
۳۱۹  
۳۲۰  
۳۲۱  
۳۲۲  
۳۲۳  
۳۲۴  
۳۲۵  
۳۲۶  
۳۲۷  
۳۲۸  
۳۲۹  
۳۳۰  
۳۳۱  
۳۳۲  
۳۳۳  
۳۳۴  
۳۳۵  
۳۳۶  
۳۳۷  
۳۳۸  
۳۳۹  
۳۴۰  
۳۴۱  
۳۴۲  
۳۴۳  
۳۴۴  
۳۴۵  
۳۴۶  
۳۴۷  
۳۴۸  
۳۴۹  
۳۵۰  
۳۵۱  
۳۵۲  
۳۵۳  
۳۵۴  
۳۵۵  
۳۵۶  
۳۵۷  
۳۵۸  
۳۵۹  
۳۶۰  
۳۶۱  
۳۶۲  
۳۶۳  
۳۶۴  
۳۶۵  
۳۶۶  
۳۶۷  
۳۶۸  
۳۶۹  
۳۷۰  
۳۷۱  
۳۷۲  
۳۷۳  
۳۷۴  
۳۷۵  
۳۷۶  
۳۷۷  
۳۷۸  
۳۷۹  
۳۸۰  
۳۸۱  
۳۸۲  
۳۸۳  
۳۸۴  
۳۸۵  
۳۸۶  
۳۸۷  
۳۸۸  
۳۸۹  
۳۹۰  
۳۹۱  
۳۹۲  
۳۹۳  
۳۹۴  
۳۹۵  
۳۹۶  
۳۹۷  
۳۹۸  
۳۹۹  
۴۰۰  
۴۰۱  
۴۰۲  
۴۰۳  
۴۰۴  
۴۰۵  
۴۰۶  
۴۰۷  
۴۰۸  
۴۰۹  
۴۱۰  
۴۱۱  
۴۱۲  
۴۱۳  
۴۱۴  
۴۱۵  
۴۱۶  
۴۱۷  
۴۱۸  
۴۱۹  
۴۲۰  
۴۲۱  
۴۲۲  
۴۲۳  
۴۲۴  
۴۲۵  
۴۲۶  
۴۲۷  
۴۲۸  
۴۲۹  
۴۳۰  
۴۳۱  
۴۳۲  
۴۳۳  
۴۳۴  
۴۳۵  
۴۳۶  
۴۳۷  
۴۳۸  
۴۳۹  
۴۴۰  
۴۴۱  
۴۴۲  
۴۴۳  
۴۴۴  
۴۴۵  
۴۴۶  
۴۴۷  
۴۴۸  
۴۴۹  
۴۵۰  
۴۵۱  
۴۵۲  
۴۵۳  
۴۵۴  
۴۵۵  
۴۵۶  
۴۵۷  
۴۵۸  
۴۵۹  
۴۶۰  
۴۶۱  
۴۶۲  
۴۶۳  
۴۶۴  
۴۶۵  
۴۶۶  
۴۶۷  
۴۶۸  
۴۶۹  
۴۷۰  
۴۷۱  
۴۷۲  
۴۷۳  
۴۷۴  
۴۷۵  
۴۷۶  
۴۷۷  
۴۷۸  
۴۷۹  
۴۸۰  
۴۸۱  
۴۸۲  
۴۸۳  
۴۸۴  
۴۸۵  
۴۸۶  
۴۸۷  
۴۸۸  
۴۸۹  
۴۹۰  
۴۹۱  
۴۹۲  
۴۹۳  
۴۹۴  
۴۹۵  
۴۹۶  
۴۹۷  
۴۹۸  
۴۹۹  
۵۰۰  
۵۰۱  
۵۰۲  
۵۰۳  
۵۰۴  
۵۰۵  
۵۰۶  
۵۰۷  
۵۰۸  
۵۰۹  
۵۱۰  
۵۱۱  
۵۱۲  
۵۱۳  
۵۱۴  
۵۱۵  
۵۱۶  
۵۱۷  
۵۱۸  
۵۱۹  
۵۲۰  
۵۲۱  
۵۲۲  
۵۲۳  
۵۲۴  
۵۲۵  
۵۲۶  
۵۲۷  
۵۲۸  
۵۲۹  
۵۳۰  
۵۳۱  
۵۳۲  
۵۳۳  
۵۳۴  
۵۳۵  
۵۳۶  
۵۳۷  
۵۳۸  
۵۳۹  
۵۴۰  
۵۴۱  
۵۴۲  
۵۴۳  
۵۴۴  
۵۴۵  
۵۴۶  
۵۴۷  
۵۴۸  
۵۴۹  
۵۵۰  
۵۵۱  
۵۵۲  
۵۵۳  
۵۵۴  
۵۵۵  
۵۵۶  
۵۵۷  
۵۵۸  
۵۵۹  
۵۶۰  
۵۶۱  
۵۶۲  
۵۶۳  
۵۶۴  
۵۶۵  
۵۶۶  
۵۶۷  
۵۶۸  
۵۶۹  
۵۷۰  
۵۷۱  
۵۷۲  
۵۷۳  
۵۷۴  
۵۷۵  
۵۷۶  
۵۷۷  
۵۷۸  
۵۷۹  
۵۸۰  
۵۸۱  
۵۸۲  
۵۸۳  
۵۸۴  
۵۸۵  
۵۸۶  
۵۸۷  
۵۸۸  
۵۸۹  
۵۹۰  
۵۹۱  
۵۹۲  
۵۹۳  
۵۹۴  
۵۹۵  
۵۹۶  
۵۹۷  
۵۹۸  
۵۹۹  
۶۰۰  
۶۰۱  
۶۰۲  
۶۰۳  
۶۰۴  
۶۰۵  
۶۰۶  
۶۰۷  
۶۰۸  
۶۰۹  
۶۱۰  
۶۱۱  
۶۱۲  
۶۱۳  
۶۱۴  
۶۱۵  
۶۱۶  
۶۱۷  
۶۱۸  
۶۱۹  
۶۲۰  
۶۲۱  
۶۲۲  
۶۲۳  
۶۲۴  
۶۲۵  
۶۲۶  
۶۲۷  
۶۲۸  
۶۲۹  
۶۳۰  
۶۳۱  
۶۳۲  
۶۳۳  
۶۳۴  
۶۳۵  
۶۳۶  
۶۳۷  
۶۳۸  
۶۳۹  
۶۴۰  
۶۴۱  
۶۴۲  
۶۴۳  
۶۴۴  
۶۴۵  
۶۴۶  
۶۴۷  
۶۴۸  
۶۴۹  
۶۵۰  
۶۵۱  
۶۵۲  
۶۵۳  
۶۵۴  
۶۵۵  
۶۵۶  
۶۵۷  
۶۵۸  
۶۵۹  
۶۶۰  
۶۶۱  
۶۶۲  
۶۶۳  
۶۶۴  
۶۶۵  
۶۶۶  
۶۶۷  
۶۶۸  
۶۶۹  
۶۷۰  
۶۷۱  
۶۷۲  
۶۷۳  
۶۷۴  
۶۷۵  
۶۷۶  
۶۷۷  
۶۷۸  
۶۷۹  
۶۸۰  
۶۸۱  
۶۸۲  
۶۸۳  
۶۸۴  
۶۸۵  
۶۸۶  
۶۸۷  
۶۸۸  
۶۸۹  
۶۹۰  
۶۹۱  
۶۹۲  
۶۹۳  
۶۹۴  
۶۹۵  
۶۹۶  
۶۹۷  
۶۹۸  
۶۹۹  
۷۰۰  
۷۰۱  
۷۰۲  
۷۰۳  
۷۰۴  
۷۰۵  
۷۰۶  
۷۰۷  
۷۰۸  
۷۰۹  
۷۱۰  
۷۱۱  
۷۱۲  
۷۱۳  
۷۱۴  
۷۱۵  
۷۱۶  
۷۱۷  
۷۱۸  
۷۱۹  
۷۲۰  
۷۲۱  
۷۲۲  
۷۲۳  
۷۲۴  
۷۲۵  
۷۲۶  
۷۲۷  
۷۲۸  
۷۲۹  
۷۳۰  
۷۳۱  
۷۳۲  
۷۳۳  
۷۳۴  
۷۳۵  
۷۳۶  
۷۳۷  
۷۳۸  
۷۳۹  
۷۴۰  
۷۴۱  
۷۴۲  
۷۴۳  
۷۴۴  
۷۴۵  
۷۴۶  
۷۴۷  
۷۴۸  
۷۴۹  
۷۵۰  
۷۵۱  
۷۵۲  
۷۵۳  
۷۵۴  
۷۵۵  
۷۵۶  
۷۵۷  
۷۵۸  
۷۵۹  
۷۶۰  
۷۶۱  
۷۶۲  
۷۶۳  
۷۶۴  
۷۶۵  
۷۶۶  
۷۶۷  
۷۶۸  
۷۶۹  
۷۷۰  
۷۷۱  
۷۷۲  
۷۷۳  
۷۷۴  
۷۷۵  
۷۷۶  
۷۷۷  
۷۷۸  
۷۷۹  
۷۸۰  
۷۸۱  
۷۸۲  
۷۸۳  
۷۸۴  
۷۸۵  
۷۸۶  
۷۸۷  
۷۸۸  
۷۸۹  
۷۹۰  
۷۹۱  
۷۹۲  
۷۹۳  
۷۹۴  
۷۹۵  
۷۹۶  
۷۹۷  
۷۹۸  
۷۹۹  
۸۰۰  
۸۰۱  
۸۰۲  
۸۰۳  
۸۰۴  
۸۰۵  
۸۰۶  
۸۰۷  
۸۰۸  
۸۰۹  
۸۱۰  
۸۱۱  
۸۱۲  
۸۱۳  
۸۱۴  
۸۱۵  
۸۱۶  
۸۱۷  
۸۱۸  
۸۱۹  
۸۲۰  
۸۲۱  
۸۲۲  
۸۲۳  
۸۲۴  
۸۲۵  
۸۲۶  
۸۲۷  
۸۲۸  
۸۲۹  
۸۳۰  
۸۳۱  
۸۳۲  
۸۳۳  
۸۳۴  
۸۳۵  
۸۳۶  
۸۳۷  
۸۳۸  
۸۳۹  
۸۴۰  
۸۴۱  
۸۴۲  
۸۴۳  
۸۴۴  
۸۴۵  
۸۴۶  
۸۴۷  
۸۴۸  
۸۴۹  
۸۵۰  
۸۵۱  
۸۵۲  
۸۵۳  
۸۵۴  
۸۵۵  
۸۵۶  
۸۵۷  
۸۵۸  
۸۵۹  
۸۶۰  
۸۶۱  
۸۶۲  
۸۶۳  
۸۶۴  
۸۶۵  
۸۶۶  
۸۶۷  
۸۶۸  
۸۶۹  
۸۷۰  
۸۷۱  
۸۷۲  
۸۷۳  
۸۷۴  
۸۷۵  
۸۷۶  
۸۷۷  
۸۷۸  
۸۷۹  
۸۸۰  
۸۸۱  
۸۸۲  
۸۸۳  
۸۸۴  
۸۸۵  
۸۸۶  
۸۸۷  
۸۸۸  
۸۸۹  
۸۹۰  
۸۹۱  
۸۹۲  
۸۹۳  
۸۹۴  
۸۹۵  
۸۹۶  
۸۹۷  
۸۹۸  
۸۹۹  
۹۰۰  
۹۰۱  
۹۰۲  
۹۰۳  
۹۰۴  
۹۰۵  
۹۰۶  
۹۰۷  
۹۰۸  
۹۰۹  
۹۱۰  
۹۱۱  
۹۱۲  
۹۱۳  
۹۱۴  
۹۱۵  
۹۱۶  
۹۱۷  
۹۱۸  
۹۱۹  
۹۲۰  
۹۲۱  
۹۲۲  
۹۲۳  
۹۲۴  
۹۲۵  
۹۲۶  
۹۲۷  
۹۲۸  
۹۲۹  
۹۳۰  
۹۳۱  
۹۳۲  
۹۳۳  
۹۳۴  
۹۳۵  
۹۳۶  
۹۳۷  
۹۳۸  
۹۳۹  
۹۴۰  
۹۴۱  
۹۴۲  
۹۴۳  
۹۴۴  
۹۴۵  
۹۴۶  
۹۴۷  
۹۴۸  
۹۴۹  
۹۵۰  
۹۵۱  
۹۵۲  
۹۵۳  
۹۵۴  
۹۵۵  
۹۵۶  
۹۵۷  
۹۵۸  
۹۵۹  
۹۶۰  
۹۶۱  
۹۶۲  
۹۶۳  
۹۶۴  
۹۶۵  
۹۶۶  
۹۶۷  
۹۶۸  
۹۶۹  
۹۷۰  
۹۷۱  
۹۷۲  
۹۷۳  
۹۷۴  
۹۷۵  
۹۷۶  
۹۷۷  
۹۷۸  
۹۷۹  
۹۸۰  
۹۸۱  
۹۸۲  
۹۸۳  
۹۸۴  
۹۸۵  
۹۸۶  
۹۸۷  
۹۸۸  
۹۸۹  
۹۹۰  
۹۹۱  
۹۹۲  
۹۹۳  
۹۹۴  
۹۹۵  
۹۹۶  
۹۹۷  
۹۹۸  
۹۹۹  
۱۰۰۰

اعتقادی آن انگیزش مطلوب را به همراه داشته باشد

به همین دلیل است که صاحب اعتقادی حتی به بعضی اتفاق نیز سوق پیدا کرده است

وتشوی های اعتقادی اتفاق نیز داریم

تولیدکننده مانیز به دنبال جدول ساختن سود است و برای آنکه به این هدف برسد

دست بردارند ، منابع یکبار فیزیکی و انسانی را باید به گونه بهینه تخصیص دهد تا آن  
 هدفی که دنبال آن است را بدست بیاورد .

تولید کنند هدفش  $\rightarrow$  حداکثر سازی سود

یکری منابعی را باید در فرآیند تولید بکار ببرد مثلا چند نیروی کار یا چند ساعت  
 یا چند ماه باید در کارهاش کار کند یا چند نیروی کار در مجموع نزدی چند ساعت باید

کار کند (بعثت نیروی انسانی) و لذا آن طرف به میزان ماشین آلات را

خریداری کند یا آن دستگاهها در کارگاه استقا کند تا بهای آن (نیروی کار)

به کمک بهای های تولید و مواد اولیه ، محصولی را تولید کنند که این

محصول ، در اثر فروش آن سودی را نصیب تولید کنند سازد که این سود حداکثر

باشد پس در این حالت نیز رفتار اقتصادی می بینیم .

اینکه به متغیرهای کلان و کوچکی آن می دهیم ، مثلا وقتی قیمت طلا زیاد یا کم

شود و ما تخصیص نیرویمان بین گزینه های مختلف (مانند طلا ، خمره ، ماشین ،

سهم ، سیرک ماشینی) چگونه این نیرو را بین این چند گزینه تخصیص دهیم

یک بحث اقتصادی است.

سین دایره و سوال های بحث، سوال های کتبه است

۲ غایره دسر ✓  
 اقتصاد دستوری ✓  
 در صورت نظام مند در بیان، همان معنی نظام اقتصادی است ✓  
 می دهند.

اقتصاد ابزاری همان علم اقتصاد است

سین به بحث اقتصاد خرد و کلان می رافتم و گفتیم که

در اقتصاد کلان، ارتباط بین متغیرهای کلی و کلان را صحبت می کنیم.

و بعد از ساختن این ارتباط، آینده ایسی می کنیم و سعی

میکنیم است سیاست هایی را به سیاست کلان تبدیل کردیم

همین کاروند، عبور پیدا کند.

۶۶ مثلا در اقتصاد کلان می گوئیم که اگر بانک مرکزی حجم پول را افزایش دهد

واقعا کند به ندرت ها پس، این بر اساس تئوری های اقتصادی



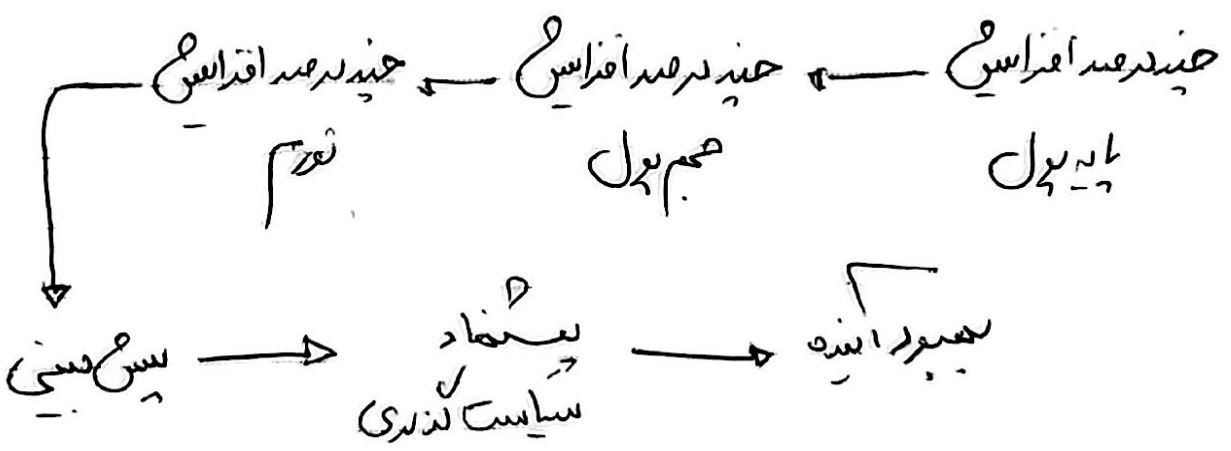
می تواند به نوسان (متغیر در طول زمان) باشد و این را باید دید، بنا بر این  
 ممکن است که حتی پس بینی هم کنیم که مثلا این <sup>تندیس</sup> ~~مفهوم~~ را کاشن

با اصطلاح باید بودی چند درصد حجم پول را اقتضای می دهد و این چند درصد

حجم پول = چند درصد، نوسان را ایجاد در اقتضای می دهد و از همین ها می توان

پس بینی کنیم و حتی می توانیم، <sup>بسیار</sup> سیاست نیز از این <sup>هم</sup> برای وجود

بوده است



همانطور که می دانید بخش قابل توجهی از نوسان در کشور ناشی از رشد بی رویه نقدینگی

بوده که بواسطه گری بی رویه سده دولت و دولت ها در طی سالهای مختلف

اتفاق افتاده است.



سوال : بعبء اقتباس نرخ ارز و اقتباس قیمت دلار صحت اعتقاد

کدام است یا خرد ؟ پاسخ : اعتقاد کلام

نرخ ارز، جزو مباحث اعتقاد کلام است البته یعنی جاهای صله در صحت

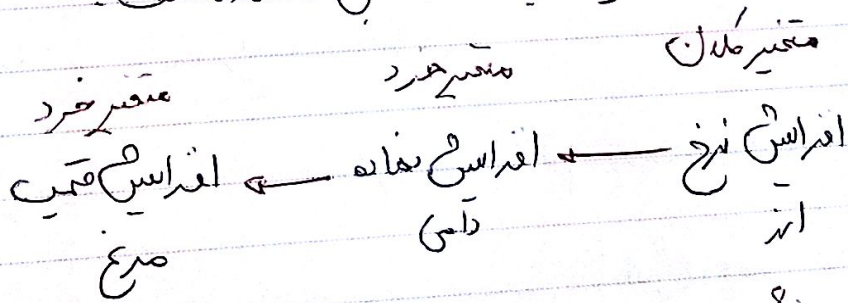
اعتقاد خرد با برخی متغیرهای کلام نیز برخورد داریم. صله در مثال قیمت مرغ،

می توانیم به صحت کلام برسیم که صله اقتباس نرخ ارز، که یک متغیر کلام

است به اقتباس قیمت بفاصله های دایمی و بفاصله های تولید و پرورش طیور سخن

بند است و ما مسئله اقتباس مرغ (که یک متغیر خرد است) یک صحت اعتقاد

کلام است. و این ارتباط کامل حاصل شده است.



سوال : مسئله کمالی جامعه آیا متغیر خرد است یا کلام ؟ صله در امره مالی

پاسخ : لزوماً خیر

زمانی هست که یک حادثه مثل مالی دلدرد <sup>۱۰</sup> مثل این حادثه در نامه فاضلی در اتفاقات  
 در سطح مکتون حادثه مانده و این بحث معمولی در امری یک حادثه در کتابی مالی اسرار به خودی خود  
 یک صفت خرید است. ولی ممکن است مناسبت مکتون داشته باشد. صله در این تقریرهای  
 اعتقادی که پیش آمده، خیلی زینتاً هر اقدام به تعدیل بنبرو کرد ما در این حادثه مورد  
 سؤال هم در این زمینه ما <sup>۱۰</sup> سؤال مالی رو برود.

پس این سطر در هم نیویست است و اگر بخواهیم صفت حائس را سؤال بزنیم، وقتی ما  
 بحث حادثه، یا تولید کننده یا یک بار در دو مرتبه، صله قیمت مرغ، مرغ مرغ، نقاصای  
 مرغ و مار در مرغ، هم بحث اعتقاد خریدی شود. ولی وقتی که حرف از تویم می زنیم  
 نه افراسنج قیمت یک مای خاص، این بحث اعتقاد دطلان می شود.

سؤال <sup>۱۰</sup> پاسخ: متغیر من در یک صفت خاص بود. صله صفت کعبیات نیز منی یا  
 صفت در این، وقتی <sup>۱۰</sup> سؤال کند برای آن پس می آید اما ما می توانیم دطلان می شود  
 یا خبر <sup>۱۰</sup> پاسخ: اگر یک صفت خاص صد نفر قدر در هم و بعد بازار یک محصول

خاص را در نظر بگیریم مسئله بازلد دلرو، این می شود بحث اعتقاد خرد.

ولی مگر این است مطلق که در بازلد خرد اتفاق لغات ناشی که سائل مطلق باشد

مانند همان بحث تخمیر و به این شکل می توانیم لزوم تمیز دهیم.

وقتی صرف در صفت، عرصه یا بقایای دلرو می زنیم، اعتقاد خرد

ولی مگر این است مستغلات مطلق که در بازلد های مختلف سرایت کند از مثل بازلد

صنوع، بازلد دلرو، پوست (یعنی) و این مصاحبه بازلد ها اندر بصورت صورتی می کنیم



اعتقاد خرد

وقتی در مورد صفت یک کالا صحبت می کنیم، اعتقاد خرد برای اولین بار این است

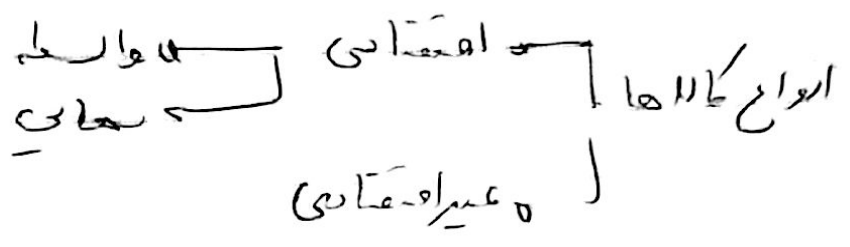
به دلیل صاحب مطلق این اتفاقات افتاده است.

بحث های سائل استانی و شهری، بحث های اعتقاد صنعه ای می شود.

و پس خرد و مطلق می شود البته بیشتر به مصاحبه مطلق نزدیک است تا خرد.

حال به ادامه بحث می پردازیم.

در جلسه قبل ، در مورد کالا ها و خدمات صحبت کردم و آنهارا تقویت کردم .



کالاهای رایج در دسته اصفغی و غیر اصفغی تقسیم کردم و کالای اصفغی را نیز به دسته واسطه و بهای تقسیم کردم .

### کالای واسطه ای

بطور دقیق تر **کالای واسطه ای** توسط بنفاد در تولید کالایی دیگر کاربرد دارد ، در همان  
 مورد به آن کالای واسطه ای می گویند .

آردی که در تولید نان ، توسط مانوا ، در همان نوره استفاده شود واسطه ای  
 آردی که توسط مسرگ کشته در تولید نان صغیر خودس کاربرد بهای  
 آرد را همان مانوا ، در تولید نان بکار می رود و نه در این نوره ، بلکه در نوره بعدی و فعلاً به شکل

موجودی اینبار مانوا بهای

و به همین ترتیب مثال‌ها را کمتر می‌داریم و توسعه می‌دهیم.

کالای نهایی ← با توسط کار تولید با توسط دولت، برای معین خود خریداری می‌شود

باید سرمایه‌گذاری توسط آنها خریداری می‌شود

باید کار در دست صاحب می‌شود.

ایجاد ظرفیت جدید تولید

سرمایه‌گذاری ۲ حالت دارد

۱- اقتباس موجودی ابزار

۲- یعنی درخواستی ابزار آورد را مثلا اسال اقتباس دهید، نه سرمایه‌گذاری

به حساب می‌آید.

اگر تفاوت یک دستگاه نیست مان با خریداری و نصب کرد، نه واقع چون ظرفیت

جدید تولیدی ایجاد کرده و ظرفیت تولید خودش را بالا برده پس نوعی سرمایه‌گذاری کرده است

و همه این کالاها، خرید کالا های نهایی می‌شوند

علت تقسیم بندی کالاها به ۲ رده نهایی و واسطه‌ای:

علت آنکه دستگیری کرده اند تا آنها به عنوان مناجسات کند در جنون

دفعه کجا کالای و اسلای ملکی و کجا همان کالا ممکن است بجای باد ، ملک این است

ما در محاسبه ارزش تولید ملی ، ارزش کالا را یک بار و بعد یک بار محاسبه کنیم .

یعنی نه چیزی را از علم باید کم و نه چیزی را بیسازند یکبار محاسبه کنیم →

آوردی که در انبار می رود یا مصرفی که به انبار می رود ، تولید ملی است ، چون تولید ملی

در ارزش کالاها و خدمات بجای است .

ماستنی که تولید می کنیم مثلا هموری سولری یا آلبانین بیچنانان یا در ستاره ترانس

وقتی تولید می شود و در انبار نگاهداری می شود و به سفار همجوری انبار دیده می شود این

خبر و کالای بجای است .

سوالی را که حل شده قبل در همین ارتباط مطرح کردم نیز الان پاسخ دارم .

سوال : دستفروشی که فاندوا تا آن بیچنانان انجام می دهد ، واسطه است یا نه ؟

پاسخ : وقتی یک تورگازی را یک خانواده می خرد باید مالروایی برای آنرا بیسازند



تولید خوری خرید یا در صورتی که در هر حالت ها، غیره کالای نهایی به

حساب می آید.

یا کالای نهایی را به صورت نقدی بخریم:

۱) اگر کالای واسطه‌ای نباشد و مستقیماً آن تولید نباشد، می‌شود نهایی

۲) اگر کالای واسطه‌ای تولید خرد یا بزرگ برای مصرف خودش یا برای سرمایه گذاری بگردد یا

به صورت دیگری صادر شود، در هر حالت ها، به حساب کالای نهایی می‌گردد و در

آن در تولید ملی عملاً محاسب می‌شود.

این دستگاه حقیقتاً همان یا هر دستگاه دیگری که تولید می‌شود در همان موقع

مثلاً همان سال در فرایند تولید به افزایش ظرفیت تولید ما کمک کند، سرمایه گذاری

حساب می‌شود و غیره کالای نهایی به حساب می‌آید.

حال اگر تولیدی را در یکی فصل در بازار باقی ماند و مثلاً نماند خریدش نیز با خرید یکی نفسش

نگردد، باز هم چون به شکل موجودی انبار ظاهر شود، با رسم کالای نهایی به حساب می‌آید.

این دستگاه حقیقتاً همان کالای نهایی که حساب می‌آید.

نکته

کالاهای دست دوم ، چه نوعی محسوب می شوند ؟

پایسج : طبیعی است که وقتی کالای سرمایه ای دست دوم خریداری می کنند مثلا دستگاه

تولید دست دوم رای خرید ، این دستگاه سال ها در یک کارخانه دست اول استفاده شده و

بعد مال دینی خریدیم و می خواهیم در کارگاه خود ، مجدداً در فرآیند تولید به کار ببریم و ارزش استفاده

کمتر - در این حالت ، دستگاه دست دوم ، در مقابل کسور ، چیزی به طرفین تولید

افزوده نمی کند ، یک جابجایی طرفین تولید اتفاق می افتد و همای در برابر طرفین تولید ، اضافه

شده و در کل و از نظر فلان ، اتفاق جدیدی رخ نداده و این سرمایه گذاری چه به حساب

نمی آید و طرفین مالی جامعه در کل کسور یا در فلان جامعه تغییری ندارد (

ولی سرمایه گذاری فرد ، این می تواند برای خریداران ماشین آلات سرمایه گذاری لذتی به حساب آید .

لذت این کار در همان سال تولید ، در تولید ملی حاصل می شود ؟

از دیدگاه فلان چون همان سال تولید به دست می آید ،

تولید ملی به حساب آمده و دست به دست می آید در بازار و چیزی خوش

دستگاه به کارخانه های مختلف ، سرمایه گذاری به حساب نمی آید و تبدیل به چیزی

نمی شود و در همان سال تولید ، یعنی کالای نهایی شماره شده است

چیزی خوش آن در میان کارخانه ها در سال های بعد ، چیزی به طرفین تولید اضافه نمی کند

( ارزش هر کالا یک بار و فقط یک بار محاسب می شود در این صورت )  
به آن کالا نهایی می گوئیم (

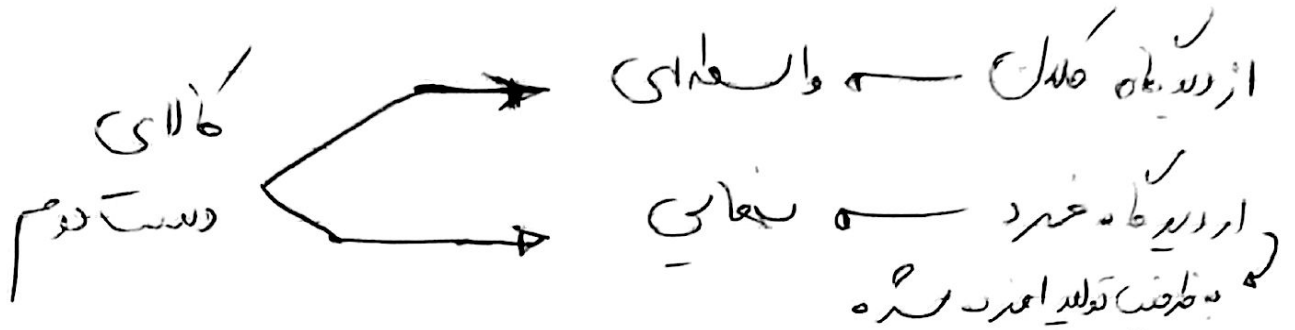
سین

ماشین

دست دوم

AZAD

سین بائرف به تولید ، کالای دست دوم ، کالای بیفای به حساب نمی آید



لذا در این : اگر همان دستگاه به صورت زمان مستطک می شود و زمانی می شود

دستگاه کاربرد لازم را ندارد و در آن دستگاه ، باز یافت و بری سابقه می شود و

در این دستگاه قطعه ای در باره صورت می شود. حالا می توان آن را بیفای گفت ؟

یا چون در ابتدا بیفای در غیره تولید بود ، نباید حساب شود یا چون تولید دوباره است

می توان حساب کرد - (کالای بیفای)

پاسخ : در این سوال کلام به سالی استعدک اشاره می کنیم

با سنی آلات وقتی در فرایند تولید بیفای گرفته می شوند ، مستطک می شوند

آن کالای بیفای در تولید می با حساب شده است و دیگر در تولید می ، محسوب نمی شود

(و می اند آن دستگاه را در کارخانه ذوب آهن ، ذوب کردید و فولاد جدید و دستگاه

توضیح  
OZAD

حمید ریاضه مسود ، درصیعت کمالای بخانی تولید کرده است که جزو تولید ملی به حساب می آید . در واقع یک محصول حمید باجهان مواد اولیه ای که وجود داشته تا تولید کرده اند . پس به تولید ملی اضافه می شود و کمالای بخانی است .

سوال : در جهان بخت آهن و فولاد ، منته ۵ سال پیش قفله ای باریک های تولید داشت مثل ماشین لباسشویی یا یخچال یا هر چیزی که یکی از باریک های صنایع آن کالا ، فولاد باشد . تا نوع به الله بعد از صدی ، آن دستاه فرسوده می شود و غیر قابل استفاده می شود ، سپس بینه فولاد در کارگاه های قراضه فروشی ، پس می شود و بعد به فولاد صیاره که برای زوب حمید و بازایی حمید فرودسته می شود . در این حالت ، قراضه ای که از این کالاها گرفته می شود ، و حمیداً بازایفت می شود ، که آن نوع است ؟ بخانی یا واسطه ای ؟

پاسخ : وقتی که آهن قراضه را به مجتمع فولاد می دهند و نه آن ورق فولادی تولید می کنند ، خود آن آهن قراضه زمانی جزو تولید ملی حساب شده و الان بازوب کردن حمیداً داریم آن را به ورق تبدیل می کنند - هم از این آن ورق جزو تولید ملی است

به حساب می آید  
کمالای  
دست دوم  
سودوری می شود  
آهن مسود  
بخانی است ؟  
تولید دوباره است  
کلیت  
می شود  
ورق قراضه

به حساب می آید. بخشی از آن قبلاً حساب شده است.

سوال ۳ این قرارداد هیچ ارزشی ندارد چون این قرارداد یکبار، کار این لازم را

دارد و اگر هر دو باره تولید دوباره از باقی مانده شود، هیچ ارزشی ندارد. علاوه بر آنکه

اگر بنا به تولید، قرارداد، از آن هر دو می که برقی می شود و انشائی می شود و برای

تولید برق مولاری، لازم است که این از آن است که سود آن انباری که

لازم است بپردازد. پس نه فولاد، لوله و غیره فولاد آری را به همراه است آهنی

که از مکتب می آید (هر ۲) دوباره قرارداد تولید را طی می کنند (به عنوان ماده اولیه

برای تولید مسوب می شود و هزینه های همان قرارداد سر جای خریدش هست

تا به تولید برسد. حال چگونه است؟

پاسخ: پاسخ این سوال در قسمت ۱۱ مباحث اقتصاد کلان توفیق داده

می شود. معنی در اقتصاد کلان داریم به نام ارزش افزوده

در آن صنعت، خیزش این صنعت را خواهیم کرد و بی نظیر مختصر، همان

قراردادی که از آن به خلق یک فرق تولید استقامت می شود، بحث ارزش افزوده

اصطلاح می کند که خریداری آن در زمان خود پس توفیق داده می شود.

حال به ادامه بحث می پردازیم :

تقسیم بندی کالاهای نفعی

۱) مصرفی

این کالاها به ۲ دسته تقسیم می شوند

۲) سرمایه ای

۱) کالای سرمایه ای :

یعنی آن کالاهای نفعی ، کالای سرمایه ای به حساب می آید مانند دستگاه تراش یا تون

۲) کالای مصرفی :

یعنی آن کالای نفعی ، کالای مصرفی می شوند مانند لوازم خانگی

الته ، لوازم خانگی جنود دسته کالای سرمایه ای به حساب می آید .

و انواع خودروی ، بیگ ، آکامدینی ، لوازم خانگی ، مسیخانه و غیره

تولید کالای مصرفی : کالاهایی را تولید می کند که

هدف از تولید آن، مصرف مستقیم آن کالا یا خدمات است

تولید کالای سرمایه ای - کالاهایی هستند که

به کمک آنها، کالای دیگری تولید شود.

حال اگر یک راه راه دیگر - تقسیم بقاء می کنیم .

۱ با تمام

کالاهای تغذیه ای ( عمر

۲ بی تمام

درسته تقسیم می شوند

کالای با تمام - با بلیار مصرف آن کالا از بین نمی رود و کالایی است که عمر مفید

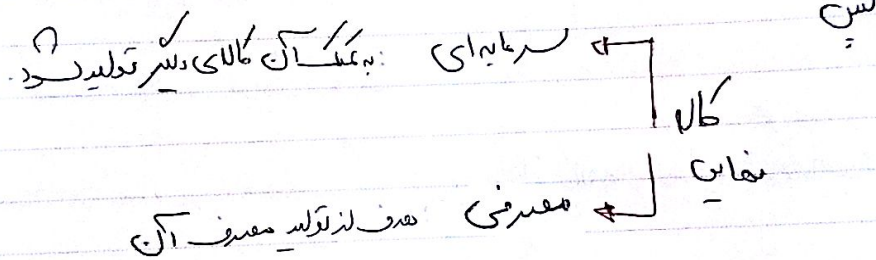
آن بیش از یک سال می باشد

کالای بی تمام : کالایی است که با بلیار مصرف، از بین می رود و کالایی هستند که

عمر مفید آن کمتر از یک سال است

برای سال - ساندویچ ، یک کالای مصرفی بی تمام می باشد روی بیمه  
 یک کالای مصرفی با تمام می باشد .

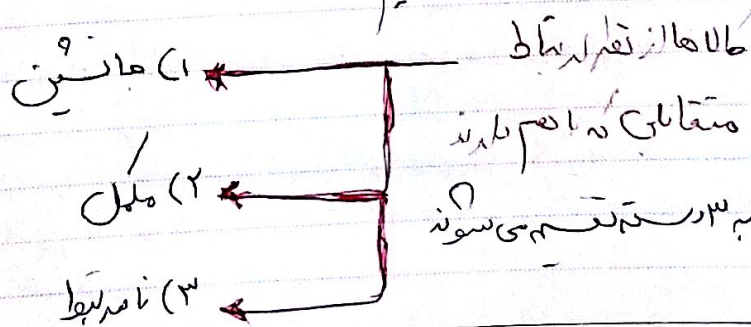
کالاهای سرمایه ای عموماً خبرورس با تمام به حساب می آیند مانند دانش ، تقواری



مخلوط

کالا نه تنها با تمام  
 طول عمر له بی تمام

یک تقسیم بندی دیگر نیز داریم :





کالاهای خاص، کالاهاى مستند که معمولاً به جای هم استفاده می شوند

وقتی قیمت یکی زیادتر شود، تقاضای دیگری (اختصاصی) هم باید

مثال: کت دست لوله‌خیز و کت دست لوله

کت دست مربع و کت دست لوله‌خیز

کت دست پاهای و کت دست قرمز

وقتی قیمت یکی زیادتر شود، مصرف کنندگان به سراغ کالاهای دیگری می‌روند. قیمت

نسبی آن پایین است و تقاضا برای آن کالای جایگزین زیادتر می‌شود.

قیمت یکی ↑ ← تقاضا برای دیگری ↑

کالای مکمل

کالاهای مستند که به موازات هم استفاده می‌شوند و معمولاً رابطه‌ی مثبت

یکی و تقاضای دیگری، عکس می‌باشد. یعنی وقتی قیمت یکی زیادتر شود، تقاضا

برای دیگری کم می‌شود.

مانند قند و چایی . وقتی قیمت قند بالا رود ، تقاضا برای چایی کم می شود .

این ۲ کالای مکمل هستند (نه کالای جانشین)

باصلاً قند و غذا قند و پولکی قند و نبات همگی کالای جانشین

هسته و بی قند و چایی کالای مکمل هستند . وقتی قیمت قند زیاد

شود تقاضا برای چایی کم می شود .

ارتباط مستقیم بین قیمت یک کالا و تقاضا برای کالای دیگر کالای جانشین

ارتباط معکوس بین قیمت یک کالا و تقاضا برای کالای دیگر کالای مکمل

الته تبرع کننده این صاحب مربوط به یک جانور نیست . ممکن است یک جانور

صمیمیت با اقتضای قیمت قند و آلتنی نشان دهند و تقاضا برای چایی خود را کم کنند و

این ارتباط را نه حلال جامعه خواهیم دید .

کالای نامرتب

کالای هستند که به هم ربطی ندارند یعنی اقتضای قیمت یکی ، تقاضا برای دیگری را

زیاد یا کم نمی کند . مثلا قیمت لاستیک را افزایش ندهد ، اثری روی قیمت قند ندارد .

یا تقاضا

یعنی لایحه حدودی و قند ۲ کالای نامیده می‌شوند.

ممکن است که رابطه اثر پروانه ای ، بالاخره تسبیح هندی ، یعنی توان لغت  
که این ارتباط است بارگیری . ولی این ارتباط ، ارتباط محسوس و قابل طرح نیست

سوال : اگر عبور مقلبی ، به هر دلیلی ، مثلا قند نه بارزه نبود و از طریق صورت  
مکمل ، عرصه سازی کنند که حالا چون قند نسبت ، جای و العبور تلخ نغزیده  
و در آن مقطع بنا به هر دلیلی ، بپذیرند و چایی را به دل قند صغیر کنند .

پاسخ : شاید بتوان فرض کرد که اثر نسبت جامع ، با تفسیر فرهنگ این کار انجام

دهند ، ولی با افتد این ارتباط در مکمل جامع وجود ندارد . با وجود این شاید برای برخی

گروهها ، وجود داشته باشد ولی در کل ، این ارتباط وجود ندارد .

مجموع عوامل تولید .

عواملی هستند که در تولید کالا یا ارائه خدمات ، شرکت دارند . هرگاه عوامل تولید ،

در شرکت مشارکت کنند ، با هم می‌کنند و محصولی را به ما می‌دهند

عوامل تولید: ۲ دسته  
 ۱) نیروی کار  
 ۲) سرمایه  
 تقسیم می شوند

در یک کارخانه بابت کارگاه و این نیروی کار و سرمایه است که مخافه های تولید (مواد اولیه) را ترکیب می کنند و محصولی را متحول می دهد.

در یک کارخانه تولیدی محصولات پلاستیکی، مواد اولیه P-P ماده اولیه تولید محصولات پلاستیکی با نیروی توسط نیروی کار و به کمک ماشین آلات (سرمایه)، ترکیب می کند و آن محصولی مثل بساط را تولید می کند.

سه عوامل تولید، نیروی کار و سرمایه (که در این مثال سرمایه نیز می باشد و ماشین آلات ما را شامل می شود)، در تولید کالا یا ارائه خدمات مشارکت دارند.

خلاصه

عواملی که در تولید کالا یا ارائه خدمات مشارکت دارند و کارشان این است که آن مواد اولیه و مخافه ها را ترکیب می کنند و به یک کالای زینتی می رسیم.

نفاذده ها ← مواد اوليه  
 بسته ها ← خردوي آن كارخانه  
 (كالا) كه در آن كارخانه توليد ميشود

نيروي كار و سرمايه ، با هم ، زمينه تركيب آن نفاذده و فلوچ آن بسته را فراهم كرده اند

درسته ندي عوامل توليد :

در ساده ترين سئوال : ۱) نيروي كار ۲) سرمايه

تقسيم ندي نيروي نيرو دار هم : بر هي مواقع زمين را جدا مي كنند

۱) نيروي كار ۲) سرمايه ۳) زمين

كه معمولاً در محسن كافي ندي ، اين كار انجام مي شود . سرمايه در اين حالت ، مانسب آلات  
 كافي را سائل مي شود . مثل ته التور ، كوميالين و ...

نيروي كار نيز همان افرادي كه با نيروي كاري ندي نوي زمين كاري كنند .

زمين نيز بعنوان عامل سوم ، در فرآيند بكار ندي آن مواد اوليه ، آن ندر با آن  
 نفاذده ، نقش دارد .

در عبارات ديگر ۳ عامل ، نيروي كار ، سرمايه يا مانسب آلات و زمين كافي ندي

تدریج نهادها و مواد اولیه و نیز برابری و نیز با همگسوس و نیز را  
بدست می آورند .

یکی از تقسیم بندی های عوامل تولید : نیروی کار را نیز تقسیم می کنند به ماهر  
یک نوع تقسیم بندی دیگر سرمایه انسانی را به عنوان یک نیروی کار  
آفرینش دیده ، در کنار نیروی کار غیر آفرینش دیده قدرتی دیده -  
عربی آخر

در برخی تقسیم بندی ها دانش فنی نیز بعنوان یک عامل تولید افتاد می شود و از

ماشین آلات جدیدی شود . یعنی ۱) دانش فنی تولیدکننده ماشین آلات

۲) ماشین آلات (صرف)

طبیعی است که ما می توانیم ماشین آلات را تولید کنیم و از آن استفاده کنیم . بدون اینکه

دانش فنی تولید این ماشین آلات ، و قدرتی داشته باشیم .

در این حالت ، قابلیت فنی ما با وقتی که دانش فنی را نیز همراه ما تکنولوژی تولید دانش ما هم

بیا بر تعداد خواهد بود . بنابراین در برخی تقسیم بندی ها ، تکنولوژی (صافوری)

را نیز ، جزو عوامل تولید می آورند .

واعین و لزمه ... (در مورد ...)

سوال ... به نظر شما ...

بغایلی که در خانه ...

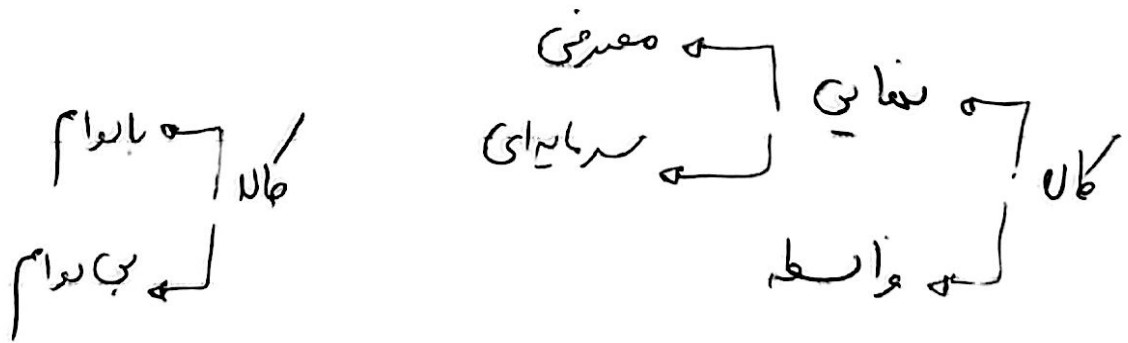
با هم متفاوت است؟

یا سرخ ...

می شود و سپس ...

می شود و لذت ...

بر این اساس ...



بغایلی در منزل ...

بغایلی در مغازه ...

یک نکته جدید: متغیرهای اختیاری (۲) در دسته متغیرهای موجودی

و جریان (در تمام موارد)

متغیرهای اختیاری (Stock variable) موجودی

جریان (Flow variable)

متغیر موجودی:

متغیرهایی هستند که فاقد بعد زمان هستند و ما در هر مقطع زمانی می توانیم اندازه گیری  
و یا مقدار آن را بدانیم.

مثلاً آب موجود در حوض، یک متغیر موجودی است. در هر لحظه می توانیم بدانیم

که حوض ما چند آب دارد. برای اندازه گیری آب حوض، لغزه را با ملاک نسبت.

متغیرهای جریان:

این متغیرها، بعد زمان دارند (بر خلاف متغیر موجودی) و در یک لغزه زمانی اندازه گیری

می شوند. مثلاً شیرینی که در حوض ما است. یعنی میزان آب خوردنی به حوض

متغیر جریان است. مثلاً در یک نقطه یک لیتر آب وارد یا خارج از حوض می شود

جریان

5

10

15

20

25



سپس آب شخصی از عرض یا آب موردی به عنوان یک متغیر حیدرالی است چون بعد

ریال دلد

ولی متغیر مصدوری، لدر ریال دلد. در هر مقطع زمانی می تواند آن را اعمال کند و مصدوری آن مثال مورد نظر حقیر است.

برای مثال <sup>۹</sup> لروت یک متغیر موجودی است. و شما در هر نقطه از زمان

می توانید ببینیم که لروت یک کور یا لروت یک خانوله حقیر است

مثلاً می توانیم الان تصویر ذهنی بگیریم که لروت من الان ... میلیون تومان

است. (مثلاً ای... بی) ولی در آمد یک متغیر حیدرالی است. و می تواند مثلاً

می کنیم درآمد من که میلیون تومان است، هم آن محل زمان سخن است.

همی مثلاً ماهانه، یا هفتگی یا سه روز یک بار، روزانه یا انصراف یک روز زمان سخن

و بعد دلد. ولی متغیر مصدوری بعد زمان دلد.

وقتی می کنیم من لروت تم عمل مقدر است، در یک دوره زمانی <sup>۱۰</sup> اندوه تری می بینم

بکده در یک مقطع زمانی عمل اندوه تری هستیم.

سوال دیگر جمعیت برای ماندن متقین یهودی است و قوی می گویند جمعیت  
 کور یعنی جمعیت کور اللان حقد است نه الله جمعیت کور در طول این  
 نبرد حقد است.

وقتی می خواهیم در طول نبرد، رابری کنیم، دست جمعیت نسبت بکند تقسیم جمعیت است  
 یعنی صیران اعدایین جمعیت را با زلد و ولد رابری می کنیم.

سوال دیگر - زاد و ولد چه یک متقین حیران است. مسئله می گویند سوال  
 بالرباه، این تعداد جمعیت کور امانه می شوند یا این تعداد صیر و صیر  
 صیران زاد و ولد و حیران صیر و صیر، متقین حیران هستند و این خود جمعیت  
 یا نبوت، متقین یهودی هستند.

متقین حیران

متقین یهودی

صیران زاد و ولد

جمعیت

صیران صیر و صیر

آب حوض

آب حوض (آب دودی حوض)

نبوت

با سبغ سوال قبل که صواعق شد بود

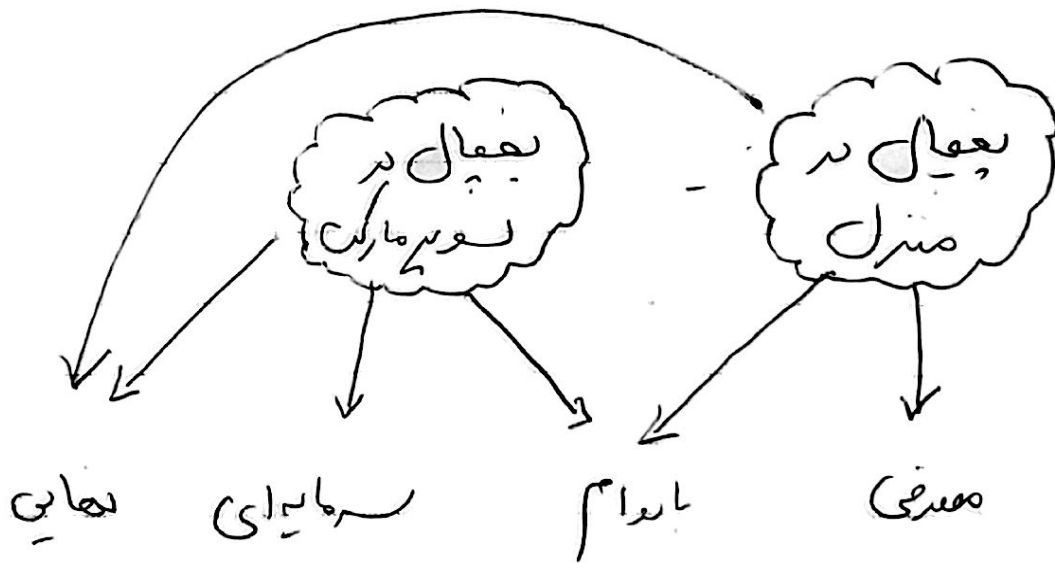
کالاها و در حالی که در صدر هسته، کالای مصرفی با درآمد هسته و

بیمایی که در تولید مارکت از آن استفاده می شود، کالای سرمایه ای با درآمد

و طبعاً هر ۲ می توانند تقابلی هم باشند. بحث بیشتر مصرفی و سرمایه ای

تولید می باشد. هر ۲ می توانند تقابلی باشند، هر ۲ با درآمد هسته -

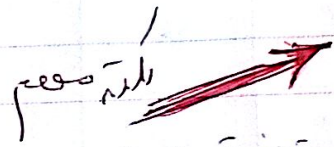
ولی یکی مصرفی و دیگری سرمایه ای



نمونه . نکته ای که در علم در سبب خود و علم در سبب کلان باید به آن توجه کرد.

در سبب خود، تولید خود را به سبب تولید کالاها سرمایه ای ببرد، این کشور

استقاری  
 بیان نفع را به بالاتری در در تمام کوری نه فزین تولید فویدا به نسبت تولید طلاهای  
 معدنی ببرد (حتی اگر آن طلاهای معدنی، با تمام باشند) یعنی تولید طلاهای  
 سرمایه ای با تمام در تولید است استقاری که در حال تولید می کنند تا طلاهای  
 معدنی با تمام



در این جا فصل اول تمام می تواند بهترین های پایان فعلی را حل کند و ارسال نماید  
 حل و مدار می باشد استقاری خود می شویم  
 اول معجم در این صحت، تقاضای با

قبل از شروع مفاهیم تقاضا، ابتدا به معجم فزین فزین می بپردازیم  
 فزین فزین (Opportunity Cost)

بالترین ترین چیزی که در مقابل یک تصمیم باید انتخاب کرد است می و معجم را می بوند  
 حال به ذکر کرد (ال) می بپردازیم تا به تیر و تیر بوند

در این مثال، یک کدک را در تگری کسب می که می خواهد با یک مبلغ محدود، قصد تولید این دو  
 یا همان پول قوی حب خود را این ۲ کدک را بکشد و اینها را تقصیر دهد

تعداد اسباب	تعداد اسباب	ترکیب
۴	۰	A
۳	۱	B
۲	۲	C
۱	۳	D
۰	۴	E

عقدن می کنیم که کردی

۲۰ تومان پول دلمه طلاها

(مربوط به دهنه های قبل)

۲۰ لتریه برای خرید کردن

پول خود دلمه

① سطلات بفرود

② اسباب بفرود قیمت سطلات و اسباب نیز در سوال است.

ترکیب های عملی می توانیم از این ۲ کالا داشته باشیم که در جدول بالا نشان داده شده است.

پول دلمه که اسباب بفرود  $20 \times 5 = 100$  → همه پول را سطلات بفرود ترکیب A

همین قیمت سطلات ۱۵ → یعنی آن یک اسباب بفرود سطلات ۱۵ ترکیب B

و همین سطل ۱۰ → یکی به اسباب سطلات ۱۰ ترکیب C

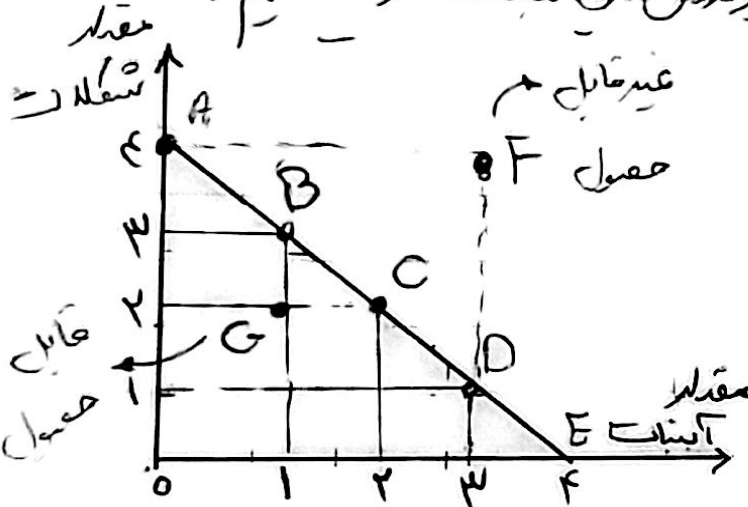
ترکیب D

AZAD

همهٔ علاقی  $\rightarrow$  هم‌پول را آبیات  $\rightarrow$  ترکیب E  
 نفر  $\rightarrow$  نفر

این مثال برای این رسیده تا معصومی را بنا (معنی اطلاعات) از وضعیت

دستم و معصوم (هرینه صرفه) را نیز بددل این مباحث تعریف کنیم



اگر همه نقاط را در یک معنای دیگری

صحنه کنیم، گویا اعمی، مقدار آبیات

و محور عمودی، تعداد اطلاعات را نشان

دستم، ترکیبات A تا E را خواهم دید. حال اگر گزینه‌های انتخابی این عدد

بیویته باشد ما همچنی مانند AE را داریم، خطی است که تمامی پول خود

را (اگر نقاط روی این خط، انتخاب کند) و همه پول خود را صرف خرید کالاها می

کند بوده (همان ۲ کالای آبیات و ۳ اطلاعات) کرده است.

نقاط بالای خط نقاط (غیر قابل حصول) هستند (مانند نقطه F

به آن غیر قابل دسترس نیز می گویند

نقاط زیر خط مائل ترکیب (اوا) یا (اوا) G ، نقاطی هستند که

مائل نقاط روی خط قابل حصول هستند ولی در هر دو مورد عموداً صرف خود

این ۲ گانه عموداً من زنده است

خط نقاط روی خط AE هستند که هم قابل حصولند و هم در مائل خود

مخرج نکرد است و برای اعنافی مناسب است

وقتی که نقطه A بر نقطه B ای رویم ، چون هم پول ، روی خط هر دو زنده

و مخرج زنده برای بدست آوردن یک واحد آبیات اعنافی ، این مورد

می توانست دانه <sup>۱۵</sup> حله را از دست بدهد

به عبارت دیگر

هرگز به صورت بدست آوردن یک دانه آبیات اعنافی ، معادل یک دانه مائل

تعریف هرگز به صورت :

عبارت است که با ارزش <sup>۴</sup> تریز صبری که در مقابل یک تقسیم و یک انتخاب از دست

می دهیم

اگر در هر منابع استناد کرد با هم، در واقع، در این حالت است که مفهوم هزینه فرصت، مفهوم دیگری نیست.

به عبارت دیگر

اگر منابعی به منظور جبران استناد شود در تقویت از تولید کالایی که منابع مذکور در آنجا استناد شده است، صرف نظر نموده ایم. ارزش کالای مذکور هزینه فرصت این منابع در تولید جبران است.

باید یاد داشت: (همان جمله اول کتاب می کند برای مفهوم هزینه فرصت)

ما برای تولید یک واحد اضافی از کالای A، چه میزان از کالای دیگر را از دست می دهیم وقتی که همه منابع و همه امکانات را در دسترس می کنیم.

در این کالایی که داریم از دست می دهیم تا یک واحد اضافی از کالای دیگر را بدست بیاوریم، هزینه فرصت آن است و نه می گویند.

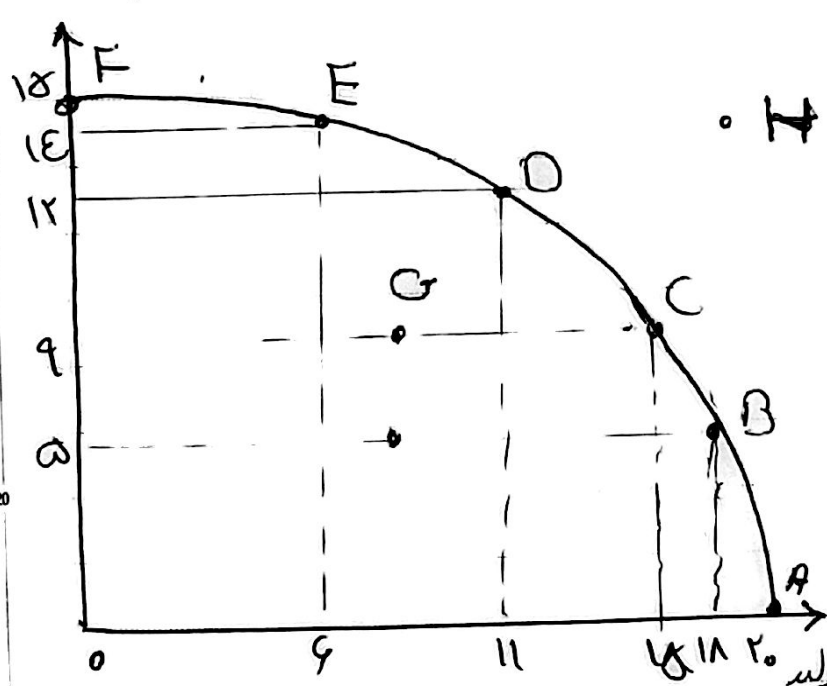
حال می توانیم همین مثال را برای یک کور در برای یک جامعه در نظر بگیریم



کتاب کا لای کافی  
 اگر کتاب کا لای ۲۰ ہے تو ہم کتاب کا لای کافی  
 کتاب کا لای کافی

اللہ کتاب میں خود راہوی کفنی و پوئین زده ولی بغیر علی، صلا کا لای  
 لا بتوانیم دید صفحه ۲ یعنی با ۲ (عول فقط هون ۲ بعد از این)  
 تا خارج کا لای ۲۰ کے لئے ہم کتاب کا لای کافی

نما لکھو کہ مے لکھو می لکھو: اگر ہم امکانات را صرف تولید کنیم و ۲



کتاب کا لای کافی  
 کتاب کا لای کافی

مکان ہدیہ کی کتاب

مختلف معمولی کہ می توانیم

بایک میزان معین لکھنا شروع تولید

بایک میزان معین لکھنا شروع تولید بسبب با جرم معنی امکانات تولید یک جامعہ

۶  
راہ نامی دھند کہ معنی اسے کہ نسبت بہ مبادی معنیات ، مقرر می باشد -

برای تکمیل حدیث ، این عبارت راہ علیہ بعد مولود می گویم -

✓ معنی امانات تولید ✓ ناط غیر قابل دسترس

✓ جعفری معنی هزینه صرفت ✓ ناط قابل دسترس

✓ مفاهیمی مثل کارایی در تولید

معنی و مفهوم مایه

✓ ناط کارا